

بازشناخت نقش ادراک ذهنی در تعریف ساختار شهر

ندا غربا- دانشجوی دکتری شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، گروه معماری و شهرسازی، قزوین، ایران
منوچهر طبیبیان* - هیات علمی دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

شهرساز به عنوان کسی که با جسم شهر سر و کار دارد، باید متوجه ناظر و عوامل خارجی که بر او اثر می‌گذارد و تصاویری از محیط که در ذهن او می‌سازد، باشد. جریان دریافت تصاویر از محیط‌های مختلف توسط افراد با شرایط مختلف، گاه آسان و زمانی مشکل است؛ اما در تصاویر ذهنی افراد مختلف شباهت‌های بسیاری مشاهده می‌شود، این تصاویر مشابه مشترک در واقع حاصل توافق شمار بسیاری از مردم بر اهمیت تصویر خاص است. همین تصویر ذهنی مشترک است که توجه شهرساز را به خود می‌خواند زیرا محیطی که شهرساز به وجود می‌آورد مورد استفاده بسیاری از مردم است. بر این اساس برای دستیابی به ساختار شهر نیز لازم است تصویر ذهنی مشترک مردم مورد توجه قرار گرفته و با استخراج عناصری که در تصویر ذهنی مشترک مردم اهمیت یافته‌اند، عناصر و روابط ساختار فضایی شهر را تشخیص داد. طراح برای ارتقاء کیفیت ساختار شهر، می‌تواند بر عینیتی که این تصویر ذهنی را ایجاد می‌کند، تأثیر بگذارد در واقع طراح به گفته گوردن کالن به وسیله دستکاری ماهرانه در ساختار شهر می‌تواند مراحل شکل‌گیری تصویر ذهنی (ادراک، شناسایی) را تقویت و باعث ایجاد حس مکان شود. در این پژوهش سعی شده است با استفاده از تصویر ذهنی مردم کرمان به بازشناسی مجدد ساختار بافت تاریخی شهر کرمان پرداخت و با استفاده از ادراکات ذهنی ساکنان آن سعی در شکل‌گیری تصویر ذهنی روشنی از ساختار شهر و ارتقاء کیفیت ساختار و تقویت حس مکان نمود. واژگان کلیدی: تصویر ذهنی، ساختار شهر، عناصر سیمایی، نقشه شناختی.

Recognizing the role of mental perception in urban structure definition

Abstract

An Urban Planners as someone who deals with the body of the city, has to notice the observer and external factors affecting him, as well as images of the environment made in his mind. Receiving the images from different environments by people with different conditions (in terms of age, gender, culture, attitude...) is sometimes difficult and sometimes easy; but there are several similarities among mental images of people. These common similar images are indeed the result of public consensus on the importance of specific image. And this is common mental image that attracts the attention of urban planner; because the environment that urban planner creates would be used by many people. Accordingly, common mental image of people must be considered to achieve city structure. The elements and relationships of the spatial structure of the city are recognized by extracting the elements got important in common mental image of people. Urban designer can be effective on the objectivity that is created by this mental image to enhance the quality of the city structure. According to Gordon Cullen, designer can strengthen the stages of mental image formation (perception and recognition) by manipulating city structure and also creates a sense of place. It has been tried in the present thesis to recognize the structure of historic fabric of Kerman city by using mental image of Kerman people and also attempt to form a clear mental image from city structure and promote the quality and strengthen the sense of place by using mental perceptions of residents.

Keywords: mental image, urban structure, imagined elements, cognitive map

مقدمه

«مشاهده محیط» به مفهوم ایجاد تصویر ذهنی بر اساس تجارب و مشاهدات گذشته است برای ایجاد آگاهی از محیط نه تنها به تصاویر ذهنی نیاز است بلکه این تصاویر باید با یکدیگر در ارتباط باشند. مجموعه‌هایی از چنین تصاویر مرتبط به هم یک مدل ذهنی یا نقشه شناختی از محیط بوجود می‌آورد. استفاده از «نقشه‌های شناختی»^۱ امکان طراحی و ساخت بناها، مجموعه‌ها، محله‌ها و شهرهای خوانا و قابل تصور را برای طراحان محیط و شهرسازان فراهم می‌کند. شهرساز به عنوان کسی که با جسم شهر سر و کار دارد باید متوجه ناظر و عوامل خارجی که بر او اثر می‌گذارد و تصاویری از محیط در ذهن او می‌سازد، باشد جریان دریافت تصاویر از محیط‌های مختلف توسط افراد با شرایط مختلف (سنی، جنسی، فرهنگی، خلق و خو) گاه آسان و زمانی مشکل است اما در تصاویر ذهنی افراد مختلف شباهت‌های بسیاری مشاهده می‌شود، این تصاویر مشابه مشترک در واقع حاصل توافق شمار بسیاری از مردم بر اهمیت تصویر خاص است و همین تصویر ذهنی مشترک است که توجه شهرساز را به خود می‌خواند زیرا محیطی که شهرساز به وجود می‌آورد مورد استفاده بسیاری از مردم است. فرایند طراحی شهری می‌تواند با برداشت تصویر ذهنی شهروندان از شهر و فضاهای آن آغاز شده، تجزیه و تحلیل و سرانجام برنامه‌ریزی عناصر سیمایی شهر را در پی داشته باشد. برنامه‌ریزی، طراحی یا بهسازی حوزه‌ها، که بر پایه هدف‌های طراحی شهری انجام می‌شود از نظامی شامل تصاویر ذهنی که با نظامی از گره‌ها از یکدیگر جدا شده، با شبکه‌ای از مسیرها پوشش یافته و حتی به هم پیوسته‌اند، شکل گرفته آن چه در این میان اهمیت دارد تصویر ذهنی شهروند است که باید پایه بهسازی یا ایجاد سکانس‌ها و تأثیرات روانی-عاطفی منظر شهری انگاشته شود. (Trieb, 1974: 144). هدف پژوهش عبارت است از: ۱. تبیین نقش ادراک ذهنی در تعریف ساختار شهر؛ ۲. ارتقا کیفی ساختار شهر کرمان، به وسیله باز تعریف لایه تاریخی ساختار شهر، از طریق بازشناخت ادراکات ذهنی شهروندان؛ ۳. منظم کردن داده‌های دریافتی و ادراک شونده از تصویر ذهنی به وسیله برقراری نظم یا رابطه در اجزاء تشکیل دهنده لایه تاریخی ساختار شهر و ۴. ارتقاء

1. Cognitive map

لایه تاریخی ساختار از طریق بررسی تصویر ذهنی مردم و رسیدن به تصویر ذهنی مشترک آنها.

اهمیت موضوع

شهر چه در کلیت و چه در اجزای خود دارای مشخصه‌های فراوانی است که می‌بایست در طراحی و برنامه ریزی شهری مدنظر قرار گیرد. به همین دلیل نمی‌توان تصویری از آینده کل شهر ارائه داد، بدون اینکه نقش و کیفیت آینده اجزا شهر (محله‌ها، فضاهای شهری...) و یا به بیان دیگر شخصیت محیطی آن را مورد توجه و بررسی قرار ندهیم. شهروندان نه فقط دارای تصویری از چشم انداز کل شهر می‌باشند، بلکه راجع به اجزای شهر نیز تصورات و توقعات خود را دارند و برای آن‌ها نقاط و مکان‌هایی از شهرداری اهمیت و ارزشمند بوده ولی در برابر برخی از نقاط نیز بی تفاوت‌اند. شهروندان همچنین رابطه‌ای میان این نقاط در ذهن خود داشته و جنس، ساختار و سلسله مراتبی برای آن قائل‌اند. به بیان دیگر هر شهروند در ذهن خود نقشه‌ای از شهر دارد که به نقشه ذهنی معروف است (پاکزاد، ۱۳۹۰، ص ۵۸). نقشه ذهنی فرایندی است که از طریق آن انسان‌ها محیط فیزیکی اطراف خود را کدبندی، ضبط و قابل استفاده مجدد می‌کنند، این کدها از طریق تجربه مستقیم محیط و یا آنچه شخص درباره محیط شنیده است و تجسم کرده، شکل می‌گیرد (Nasar, 1990: 132).

روش تحقیق

روش کلی مورد استفاده در این تحقیق، رویکرد «پدیدارشناسی» است. رویکرد پدیدارشناسی که از اواخر دهه ۱۹۷۰ در مطالعات و پژوهش‌های معماری و شهرسازی مقبولیت یافته، یک رویکرد توصیفی است که مبتنی بر مشاهده دقیق و تاویل مورد مشاهده توسط مشاهده‌گران اندیشمند قرار دارد. در این رویکرد، پدیده با شرایط خود آن بررسی می‌شود یا چنان‌که ادموند هوسرل می‌گوید: «چیزها را چنان‌که هستند»، می‌بینند. در این رویکرد که قالبی تجربی دارد، هدف، ارائه توصیف‌های کمی و جمع‌آوری اطلاعاتی که بر مبنای آن بتوان قوانینی تدوین کرد تا اقدامات رفتارها را پیش بینی کند، نیست، بلکه درک ماهیت اصلی وجود انسان (در رابطه با مکان و فضا) مورد نظر است (اهری، ۱۳۹۱، ص ۵). شهرسازی با آموختن از پدیدارشناسی در

جستجوی معانی رویدادها و نه علت آنهاست. بدین ترتیب در رویکرد پدیدارشناسی، شهر به عنوان پدیده‌ای کالبدی-فضایی در نظر گرفته می‌شود که مسائل آن با شرایط خود آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. این نحوه نگرش، موضوع پدیدارشناسی محیطی را تشکیل می‌دهد. در پدیده‌شناسی محیطی، هدف درک اساس مضمون محیط است. اینکه محیط چه معنایی برای مردم دارد؟ پدیده‌شناس به درگیری عاطفی با محیط به دنبال ارتباط (انسان) اصیل با محیط است و بدین ترتیب به توصیفات کیفی می‌رسد (پورجعفر، ۱۳۸۷، ص ۲۷). پژوهش حاصل در پی روش فوق و با استفاده و بهره‌گیری از ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات (مصاحبه، مشاهده، کروکی، مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی و مدارک مرتبط) تلاش کرده است تا با استفاده از مطالعه تصویر ذهنی مردم به ارتقاء ساختار بافت تاریخی شهر کمک نماید.

مبانی نظری پژوهش

محیط انسان فوق‌العاده متنوع، غنی و مملو از ابهامات و مجهولات است و بر این اساس اطلاعات موجود در محیط نامحدود می‌باشد، از طرف دیگر انسان با محدودیت زمان برای تصمیم‌گیری و همین‌طور محدودیت ظرفیت برای ذخیره کردن اطلاعات مواجه است. انسان در هر زمان و هر فضا تنها بخشی از اطلاعات محیط خود را در ذهن ثبت می‌کند لیکن همین اطلاعات محدود تصویر کامل و جامعی هر چند نادرست از محیط اطراف به دست می‌دهد. در هر تجربه انسان عمدتاً به تجارب قبلی که اطلاعات آن در ذهن ذخیره شده تکیه می‌کند تا از این طریق تصویر ذهنی خود از محیط را کامل و پر کند (دیلمی، ۱۳۹۰، ص ۱۶). تصویر ذهنی پایه و اساس هر گونه کنش و واکنش میان فرد و محیط است که ممکن است با واقعیت موجود کاملاً همپوشانی نداشته باشد اما شهروند بر پایه همین تصویر ذهنی خود رفتار می‌کند و نه واقعیت‌های موجود (لینچ، ۱۳۸۳). تصویر ذهنی انسان از محیط تا حدودی به رفتار فضایی او نیز تأثیر می‌گذارد، مؤثرترین نقش تصویر ذهنی از محیط در ذهن شخص آن است که وی را قادر سازد برای تعقیب مقاصد خود در شهر حرکت کند (canter, 1977:24).

چگونگی به وجود آمدن تصویر ذهنی

تصاویری که از محیط در ذهن ناظر به وجود می‌آید حاصل جریانی دوجانبه بین ناظر و محیط است محیط با مظاهر خاص خود جلوه‌گر می‌شود و رابطه‌هایی در ذهن ناظر و تجاربش به وجود می‌آورد در این فرایند انسان داده‌های دریافتی از محیط را در ذهن منظم کرده و علاوه بر اجزای محیط، نظم یا رابطه میان آن‌ها را نیز در ذهن خود به تصویر کشیده و به آن معنا می‌بخشد (لینچ، ۱۳۸۳، ص ۱۸). از همین رو تصویر هر عامل ثابت مفروض ممکن است در ذهن ناظرین متفاوت باشد چگونگی تصویر ذهنی و یا شدت و ضعف آن در ذهن اشخاص مختلف با توجه به طبقه بندی آنها به گروه‌های متفاوت از نظر سن، جنس، زمینه فرهنگی، شغل، خلق و خوی یا میزان آشنایی آنها با محیط متفاوت است. علاوه بر تفاوت تصویر ذهنی در میان گروه‌های مختلف نکات مشترکی نیز در تصویر ذهنی شهروندان وجود دارد که به تصویر ذهنی مشترک یا تصویر ذهنی عمومی معروف شده است (پاکزاد، ۱۳۸۷، ص ۱۴۹).

نقش تصویر ذهنی در رفتار انسان

تصویر ذهنی پایه و اساس هر گونه کنش و واکنش میان فرد و محیط است که ممکن است با واقعیت موجود کاملاً همپوشانی نداشته باشد، اما شهروند بر پایه همین تصویر ذهنی خود رفتار می‌کند و نه واقعیت‌های موجود (لینچ، ۱۳۸۳، ص ۱۴). تصویر ذهنی انسان از محیط تا حدودی به رفتار فضایی او نیز تأثیر می‌گذارد، مؤثرترین نقش تصویر ذهنی از محیط در ذهن شخص آن است که وی را قادر سازد برای تعقیب مقاصد خود در شهر حرکت کند تصویر روشن از محیط به شخص نوعی احساس امنیت می‌دهد و وی می‌تواند رابطه‌ای هماهنگ بین خود و جهان خارج به وجود آورد. این درست بر خلاف احساس ترس است که به شخصی مستولی می‌شود که این تصویر روشن را ندارد. معنای این سخن آن است که احساس شیرینی که شخص از خانه و شهر خود دارد نه تنها به سب آشنا بودن با آن است، بلکه به این دلیل که تصویری دقیق از آن در ذهن او موجود است (canter, 1977:238).



بررسی مفهوم تصویر ذهنی و عناصر سازمان دهنده آن در نظریات اندیشمندان شهرسازی

گنورکی کپس؛ کپس به موضوع کیفیت‌های نمادین محیط علاقه داشت مثلاً به کیفیت نمادینی که برج یک کلیسا جامع بر فراز یک سکونتگاه دارد، کپس متوجه شده بود که در شهرهای کنونی از یک سو به خاطر پیچیدگی بسیار محیط شهری و از دیگر سو به این خاطر که تصمیم درباره کیفیت‌های نمادین محیط تنها به دست تصمیم‌سازان و مدیران گرفته می‌شود، نه مردم و این تصمیم‌ها نیز هیچگاه درون نظام یا طرحی یکپارچه تعریف نمی‌شوند، همواره ساکنان چنین شهرهایی ناچارند تا خودشان سیستم‌های شناختی یا سیستم‌های مفهومی را به گونه‌ای شکل بدهند که بتوانند ساختار نمادین محیط شهری را برای خود خوانا کنند، بدین ترتیب کپس توانست جای این بحث را باز کند که برخی از محیط‌ها نسبت به محیط‌های دیگر در ذهن مردم دارای ساختار منسجم‌تری هستند، موضوعی که لینچ در کتاب سیمای شهر خود پی گرفت (پاکزاد، ۱۳۸۹، ص ۹۶).

کوبین لینچ؛ به باور کوبین لینچ، عوامل متحرک هر شهر، به ویژه مردم و تلاش و تکاپوی آنان، به اندازه عناصر کالبدی، در ایجاد تصویر هر شهر مؤثرند. لینچ یکی از مهم‌ترین عوامل آشنائی فرد با محیط و شکل‌گیری تصویر ذهنی را نقش انگیزی آن محیط می‌داند و معتقد است نقش انگیزی، ویژگی متعلق به شیء می‌باشد که در ذهن بیننده تصویر زنده‌ای از شیء را به جای می‌گذارد به عبارتی او نقش انگیزی را به مفهوم قابلیت تصور هر چیزی در ذهن می‌داند او در ارتباط با مفهوم نقش انگیزی، تصویر هر محیط شهری را به سه جزء هویت، ساختار و معنی تجزیه می‌کند و جلوه‌گر شدن این سه جزء را به صورت پیوسته و وحدت یافته‌ای در تصویر ذهنی از شهر عنوان می‌کند به پایه مطالعات لینچ، تصویر ذهنی از محیط مجموعه‌ای از عواطف اولیه است که از تجربه فضا به دست آمده و می‌تواند به عناصر گوناگونی مانند حوزه، مسیر، لبه، گره، نشانه تجزیه، مرتبط یا جدا شود (لینچ، ۱۳۸۳، ص ۱۰).

کریستین نوربرگ شولتز؛ کریستین نوربرگ شولتز تصویر ذهنی را «فضای وجودی ذهن انسان» دانسته و همانند لینچ عناصر تصویر ذهنی را بررسی نموده است. شولتز مرکزها،

راه‌ها و حوزه‌ها را عناصر تشکیل دهنده فضای وجودی دانسته و عامل تعیین کننده آنها نیز تعامل میان انسان و محیط اوست (پاکزاد، ۱۳۸۹، ص ۹۵).

راباپورت؛ تصویر ذهنی کلیتی است که حتی پس از ترک محیط نیز در خاطر انسان می‌ماند و حاصل تعامل ناظر و محیط است و یا ارتباط متقابل میان شخص و مکان. تصویر ذهنی در واقع کلیت به هم پیوسته‌ای از نمادها و نشانه‌هاست که به مفاهیم، ارزشها، معانی و چیزهایی شبیه آن واقعیت می‌بخشد (Rapaport, 1977:8).

دیوید استی؛ دیوید استی تصویر ذهنی را به عنوان عنصر اصلی سازگاری رفتار انسانی می‌شناسد که برای زندگی و رفتارهای روزمره انسان ضروری و حیاتی است. او از مراکز، محدوده‌ها، راه‌ها و موانع به عنوان عناصر تشکیل دهنده تصویر ذهنی نام می‌برد. او نسبت به شولتز عنصر موانع را نیز به عناصر تصویر ذهنی اضافه نموده است (دیلمی، ۱۳۹۰، ص ۸۰).

گولج؛ از نظر گولج شکل‌گیری منظر ذهنی از هر پدیده‌ای واجد یک نظام سلسله‌مراتبی است که در ابتدا نقاط لنگرگاهی ادراک و فراگرفته می‌شوند و سپس حول نقاط لنگرگاهی عناصر فرعی‌تر که جزئیات نامیده می‌شوند ادراک و فراگرفته می‌شوند (گلکار، ۱۳۹۰، ص ۱۲۸).

دانلد اپلیارد؛ اپلیارد در کتاب برنامه‌ریزی برای یک شهر کثرت‌گرا در پروژه شهر متکثر گوناایانا، به بررسی کلیت ساختاری پرداخت که در ذهن ساکنان مختلف از شهرشان شکل می‌گیرد او درباره چنین ساختاری، به عنوان شناختی که شهروند از شهرش دارد، اصطلاح «دانش شهری» را به کار می‌برد، اپلیارد با پژوهش دقیقی بر روی کروکی‌های شهروندان، در این باره که ساختمان شهر در ذهن مردم چگونه شکل می‌گیرد به دستاوردهای مهمی رسید. بررسی‌های او نشان داد که در این نقشه‌ها، بیشتر از عناصر سکانشی (جاده‌ها) و یا از عناصر فضایی (ساختمان‌های منفرد، نشانه‌ها و حوزه‌ها) استفاده می‌شود، در کامل‌ترین و پیچیده‌ترین نقشه‌ها آمیزه‌ای از هر دو گروه عناصر به کار رفته بود (پاکزاد، ۱۳۸۹، ص ۱۶۸). در این بررسی اپلیارد عناصر سکانشی همان روابط ساختار و عناصر فضایی، عناصر ساختار می‌باشند. به نظر اپلیارد شهرها به وسیله عناصر سکانشی یا فضایی ادراک شده و ساختار بندی

را به عنوان سه رکن هم ارزش در آفرینش تصویر ذهنی از شهر یاد می‌کند (Trieb, 1974:153)

ارتباط بین ساختار و تصویر ذهنی فرآیند شکل‌گیری تصویر ذهنی از ساختار

شهر واقعیتی مستقل از ناظر است که به صورت مداوم وجود داشته و پیام‌هایی از آن ارسال می‌شود. این پیام‌های مستقل از انسان را پیام‌های بالقوه برای ادراک می‌گویند تنها با ادراک، برخی از این پیام‌ها در لایه منظر شهری، تبدیل به پیام‌های بالفعل می‌گردند؛ به عبارتی ساختار شهر علاوه بر عناصر کالبدی شهر، شامل فعالیت‌ها، جریان‌ها و سیستم‌های حرکتی، انسان و تمامی نیروهای زندگی شهر است که هنوز توسط ذهن انسان ارزش‌گذاری نشده است و حوزه اتفاقات بالقوه حیات شهر با تمام مظاهر مادی و غیر مادی آن است. لذا باید بین آنچه که مستقل از ما در واقعیت موجود است و آنچه ما از این واقعیت دریافت می‌کنیم (منظر شهر) تفاوت قائل شویم. به عبارت دیگر منظر یا فضای مورد ادراک فرد، کلیه اطلاعات دنیای پیرامون وی نیست بلکه فقط بخشی از آن است به فرد ناظر تأثیر می‌گذارد به عبارتی محیط مؤثر یا محیط محسوس را معرفی می‌کند (تریب

می‌شود. راه‌ها و گره‌های لینچی، عناصر سکانشی محسوب شده و نشانه‌ها حوزه‌ها و لبه‌ها تقریباً عناصر فضایی می‌باشند «در یک ساختار توپولوژیکی خوب، عناصر سکانشی و فضایی به خوبی به یکدیگر مرتبط بوده و می‌توان در ساختار بدون هیچ‌گونه اختلالی حرکت نمود. گره‌گاه‌ها، مرزها و تقاطع‌های بین عناصر به خوبی به یکدیگر مرتبط شده و در امتداد مسیرهای اصلی امکان تداوم مناسبی را ایجاد می‌کنند» (Applyard, 1976, 64).

میشائیل تریب: تریب بر این باور است که تصویر ذهنی، همه برداشت‌ها، دانسته‌ها، باورها، حدس‌ها و انتظاراتی است که فرد از محیط پیرامون خود داشته و ارزش، کیفیت، کارکرد و اولویت‌های متفاوتی را در ذهن وی آفریده است. این تصویر ذهنی، پیروهمة داده‌هایی است که فرد تا آن برهه از زمان دریافت و در ذهن خود انباشته است. به دیگر سخن، تریب تصویر ذهنی را ترکیبی غیرمادی و سازمان یافته می‌داند که نه تنها محیط کالبدی و اجزای تشکیل دهنده آن در ذهن شهروند، بلکه تظاهر فرمال ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و ... از شهر را نیز در بر می‌گیرد. میشائیل تریب با اشاره به سه مولفه فایده یا کارکرد شهر، تظاهر بیرونی شهر و عناصر آن و در نهایت معنای آن این سه مولفه

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
ضمیمه شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

■ ۱۰۵ ■

لینچ	• مجموعه ایی از عواطف اولیه که از تجربه فضا به دست آمده و به عناصر گوناگونی مثل راه، لبه،... تجزیه میشود
رلف	• تفسیر انتخابی است از آن چه هست و آن چه فکر می‌کنیم نباید باشد
شولتز	• فضای وجودی انسان که عناصر تشکیل دهنده آن را مراکز، راه‌ها و حوزه‌ها ذکر می‌کند
رایاپورت	• کلیت به هم پیوسته ایی از نمادها و نشانه‌ها
گولج	• یک نظام سلسله مراتبی از نقاط لنگرگاهی و جزئیات (عناصر فرعی)
اپلیارد	• دانشی که فرد به کمک آن شهر را برای خود قابل ادراک می‌کند (دانش شهری) که عناصر تشکیل دهنده آن را عناصر سکانشی و عناصر فضایی ذکر می‌کند.
استنی	• عنصر اصلی سازگاری رفتار انسانی است که عناصر تشکیل دهنده آن را مراکز، محدوده‌ها، راه‌ها و موانع ذکر می‌کند.
تریب	• ترکیبی غیر مادی و سازمان یافته در ذهن شهروند است که مولفه‌های تشکیل دهنده آن را کارکرد، تظاهر بیرونی و معنا می‌داند.

جدول ۱. خلاصه نظریات اندیشمندان شهرسازی در مورد تصویر ذهنی و عناصر تشکیل دهنده آن؛ ماخذ: نگارندگان.

۱۹۷۴)؛ لذا در منظر شهری است که ساختار شهر به کیفیتی مستقیماً محسوس تبدیل شده و توسط ناظر ادراک می‌شود و نهایتاً تصاویر ذهنی شهر مطرح می‌شود که در ذهن ناظر شکل می‌گیرد و ذهنیتی از عینیت قابل ادراک می‌باشد، به عبارتی قدرت و قابلیت ایجاد تصویر ذهنی از ساختار شهر در ذهن فرد، قابلیتی موجود در ساختار شهر است که به واسطه خصوصیتی که نگارنده درصدد دستیابی به آنها بوده است منتقل و حمل گردد و این خصوصیات ساختار شهر می‌تواند توسط ایجاد کیفیت‌هایی در لایه منظر شهری به ایجاد تصویر ذهنی از ساختار شهر در ذهن شهروند و ایجاد حس مکان بیانجامد. بنابراین ساختار یک مفهوم ذهنی و یک مدل شناختی از واقعیت است که بخش عمده‌ای از تصور ذهنی مردم از شهر را شکل می‌دهد (برزگر، ۱۳۸۲).

مراحل شکل‌گیری تصویر ذهنی از ساختار شهر

ایجاد تصویر ذهنی از ساختار شهر شامل مدارجی از:

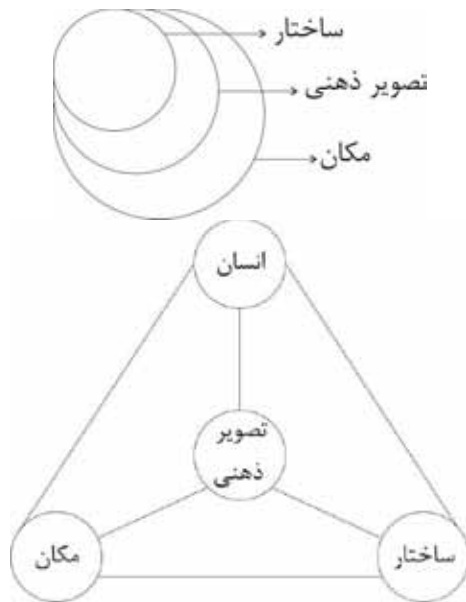
- ۱- ادراک
 - ۲- شناسایی (بازشناسی و تمایز)
 - ۳- برقراری پیوند بین اجزاء و عناصر آن
 - ۴- برقراری ارتباط و پیوند بین ساختار شهر و فعالیت‌های آن
 - ۵- برقراری پیوند با رویدادها، مکان و زمان
 - ۶- ارتباط با مفاهیم غیر فضایی و ارزش‌ها
- می‌باشد و دخالت ذهن را در ادراک ساختار شهر نشان می‌دهد (حبیب، ۱۳۸۰). در این حالت ذهن تصویری از عناصر و پیوند میان عناصر ساختار شهر و کلیت آن در ذهن می‌سازد. ادراک صحیح محیط یک جزء اساسی و رضایت عاطفی از زندگی در شهر است لذا ساختار شهری که بتواند تصویر واضحی از خود به جا بگذارد، می‌تواند نقش اجتماعی نیز بازی کند چرا که به مردم کمک می‌کند تا بدانند در کجا هستند، محیط را خوانده، به نحو مطلوبتری فعالیت‌هایشان را تنظیم کنند و حتی می‌تواند نمادها و خاطرات جمعی و ارتباطات گروهی را افزایش دهد. پس
۱. میثائیل تربی در کتاب خود انسان و فرم شهر محیط مؤثر و محیط محسوس را مطرح می‌کند و آن را اینگونه تعریف می‌کند. منظر، هم آن بخشاز پیام‌های محیطی است که برای رفتار و نتایج آن مهم است (محیط مؤثر) و هم آن بخش ادراک شده از فضا را در بر می‌گیرد که بر فعالیت تأثیر می‌گذارد (محیط محسوس)

ایجاد یک تصویر ذهنی قوی از شهر است که مبانی تعامل مردم را با محیط فراهم می‌آورد. با توجه به مطالب گفته شده مشخص است که ساختار شهر، رابطه میان آن دسته از اطلاعاتی است که مورد ادراک فرد و جمع واقع شده و در تصویر ذهنی او جای گرفته است بر این اساس لازم است برای دستیابی به ساختار شهر، تصویر ذهنی مشترک مردم مورد توجه قرار گرفته و با استخراج عناصری که در تصویر ذهنی مشترک مردم اهمیت یافته‌اند عناصر و روابط ساختار فضایی شهر را تشخیص داد. طراح برای ارتقاء کیفیت ساختار شهر، می‌تواند بر عینیتی که این تصویر ذهنی را ایجاد می‌کند، تأثیر بگذارد در واقع طراح به گفته گوردن کالن به وسیله دستکاری ۲ ماهرانه در ساختار شهر می‌تواند مراحل شکل‌گیری تصویر ذهنی (ادراک، شناسایی) را تقویت و باعث ایجاد حس مکان شود.

ارتباط بین مکان و تصویر ذهنی

انسان برای اینکه خود را بهتر بشناسد نیاز به شناخت محیط اطراف خود دارد و این در صورتی است که تصویر ذهنی روشنی از محیطش داشته باشد. و مکان، زمانی شکل می‌گیرد که انسان با تمام احساس و ادراک خود روح و معنای آن را دریابد. مکان با ساختار فیزیکی و فعالیتی که در آن رخ می‌دهد، تعریف مادی پیدا می‌کند و با شکل گرفتن تصویر و خاطره آن در ذهن انسان و در طول زمان معنا و روح پیدا می‌کند معنا و روحی که برای روزگاران خواهد ماند و به یاد آورنده بودن و هستی انسان خواهد بود (حبیبی، ۱۳۷۸). ادوارد رلف معنای مکان را در تصویرهای ذهنی و خاطره‌های مردم و آن را مؤثرترین عامل در هویت مکان می‌داند و معتقد است که «تا زمانی که معنای مکان‌ها در ساختار فیزیکی و فعالیت‌هایی که در آن رخ می‌دهد جستجو شود چیزی یافت نمی‌شود بلکه باید معنا را در تصویرسازی ذهنی و تجربه‌های انسان از مکان جستجو کرد. رلف شاخصه‌های هر مکان (کالبد، عملکرد، معنا) را در ایجاد حس در مردم تأثیرگذار می‌داند (پاکزاد، ۱۳۹۰). کرسیتین نوربرگ شولتز تصویر ذهنی روشنی را که سبب هویت شخص می‌گردد را در گرو داشتن مکان‌های

۲. Manipulate: این اصطلاح را گوردون کالن در کتاب منظر شهری خود به کار برده است، به معنای دستکاری در عناصر شهری، برای تأمین تأثیر آنها به حواس انسان



نمودار ۱. ارتباط تصویر ذهنی و مکان؛ مأخذ: نگارندگان.

با معنا می‌داند (پاکزاد، ۱۳۹۰). میسائیل تریب سه مولفه کارکرد، تظاهر بیرونی و معنا را به عنوان سه رکن هم ارزش در آفرینش تصویر ذهنی و ایجاد حس مکان یادآور می‌شود. انسان از مکان‌های متفاوت تصویرهای متفاوتی در ذهن دارد، احساسات او می‌تواند بر روی ادراکات او از محیط و شکل‌گیری تصویر ذهنی از مکان تأثیرگذار باشد و همین تصاویر ذهنی انسان‌هاست که به مکان هویت می‌دهد.

ارتباط بین مکان با ساختار

شولتز داشتن مکان‌های با معنا را به سبب تصویر ذهنی روشن و رلف معنای مکان را در تصویرهای ذهنی و خاطره‌های مردم می‌داند، کانتز داشتن تصور از مکان را یکی از مؤلفه‌های مکان می‌پندارد و از طرف دیگر لینچ یکی از مؤلفه‌های شکل‌گیری تصویر ذهنی از مکان را ساختار می‌داند (هویت، ساختار، معنا) (پاکزاد، ۱۳۹۰) و همانطور که قبلاً ذکر شد ساختار یک مفهوم ذهنی و یک مدل شناختی از واقعیت است که بخش عمده‌ای از تصور ذهنی مردم از شهر را شکل می‌دهد (برزگر، ۱۳۸۲). بنابراین می‌توان اینگونه نتیجه گرفت از آنجائیکه طبق مبنای نظری این پایان‌نامه ساختار زیر مجموعه ۱ تصویر ذهنی و همینطور تصویر ذهنی زیر مجموعه مکان می‌باشد بنابراین ساختار، زیر مجموعه مکان نیز خواهد بود. در واقع ساختار روشن، زنده و پیوسته علاوه بر اینکه می‌تواند تصویری دقیق به وجود آورد می‌تواند تداعی کنند مکان نیز باشد و همینطور می‌تواند برای خاطرات مشترک و تعاملات جمعی ساکنان شهر ماده خام فراهم آورد (نمودار ۱).

با توجه به ارتباط ساختار با مؤلفه‌های مکان می‌توان نظریات اندیشمندان در مورد ساختار را براساس مؤلفه‌های مکان دسته‌بندی نمود.

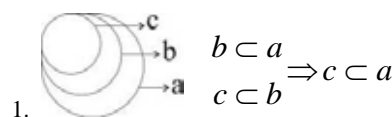
بنابراین برای دسته‌بندی ساختار از مؤلفه‌های سازنده مکان ذکر شده در مبنای نظری (رلف، شولتز، کانتز و...) استفاده می‌کنیم.



علاوه بر این لایه‌بندی ساختار می‌تواند به تحلیل تصاویر ذهنی در روند این پژوهش کمک نماید

بررسی نمونه موردی (شهر متکثرگوتایانا)

دانلد ایلپارد در پروژه شد متکثر گوتایانا به بررسی کلیت ساختاری ای پرداخت که در ذهن ساکنان مختلف از شهرستان شکل می‌گیرد. ایلپارد در این پروژه به بررسی این موضوع پرداخت که افراد چگونه عناصر شهر را در ذهن خود به هم می‌پیوندند، به آن‌ها ساختار می‌دهند، باز



1.

جدول ۲. خلاصه نظریات اندیشمندان در مورد ساختار با توجه به مبانی نظری؛ ماخذ: نگارندگان.

نگرش ساختارگرایانه	نگرش عملکردی	نگرش کالبدی یا فرمی	نگرش معنایی
گروه ده؛ کنزوتانگه؛ آلدو فان آیک؛ الکساندر وی بی دوشی؛ سوریایا ماتا	مکتب شیکاگو، ارنست برگس، همر هویت؛ ادوارد اولمن؛ و جنسی هریس	ادموند بیکن؛ راب کریر؛ آلدوروسی	الدو فان آیک؛ کوین لینچ؛ دانلد ایلپارد؛ کاتر؛ آموس راپاپورت؛ کلیف ماتین؛ میشائیل تریب
روابط میان عناصر مهمتر از خود عناصر است عناصر دارای قابلیت تغییر درونی اند اما روابط آن‌ها ثابت باقی خواهد ماند	ساختار به عنوان نحوه چیدمان کاربری‌ها، فعالیت‌ها و گروه‌های اجتماعی استفاده کننده در سطح شهر	ساختار طرح، فرم را تبیین می‌کند و فرم از طریق بیان معمارانه‌ای که به همه جامعه تعلق دارد شکل می‌یابد	ساختار به عنوان ارتباط میان لایه‌های کالبدی و ذهنی و پیامد آن بازشناسی مکان توسط استفاده کنندگان

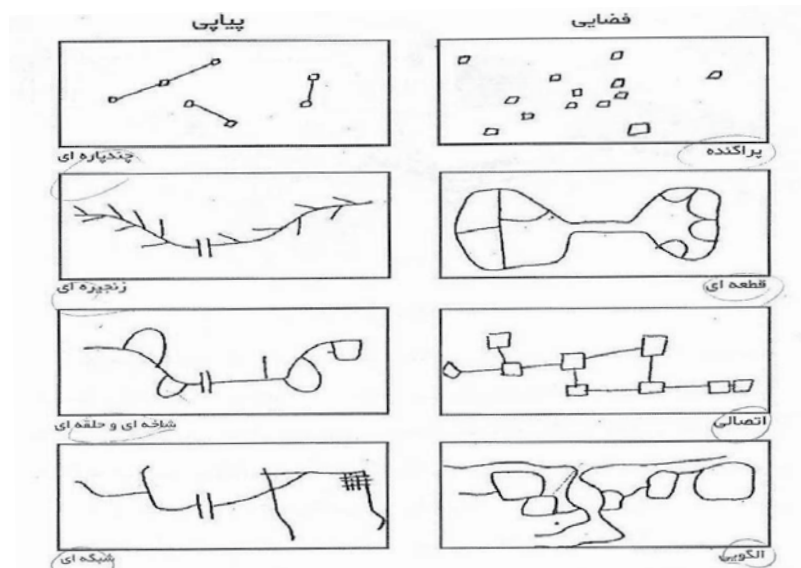
اهمیت کارکردی نمادین.

اپلیارد همچنین با پژوهش دقیقی بر روی کروکی‌های شهروندان در این باره که ساختار شهر در ذهن مردم چگونه شکل می‌گیرد به دستاوردهای مهمی رسید. بررسی‌های او نشان داد که در این نقشه‌ها، بیشتر از عناصر سکانشی (جاده‌ها) و یا از عناصر فضایی (ساختمان‌های منفرد، نشانه‌ها و حوزه‌ها) استفاده می‌شود و در کامل‌ترین و پیچیده‌ترین نقشه‌ها آینده‌ای از هر دو گروه عناصر به کار رفته بود. «برپایه تعریف او ویژگی اصلی نقشه‌هایی که با عناصر سکانشی کشیده می‌شود، این بود. که اجزاء، به گونه‌ای روشن‌تر به هم می‌پیوستند و نقطه اتصال آنها کاملاً آشکار بود. اما در نقشه‌هایی که چیرگی ماعناصر فضایی بود، اجزای نقشه به گونه‌ای پراکنده در سطح بودند و اتصال میان آنها اتفاقی و ضمنی بود. اپلیارد درباره هر یک از این دوگونه نقشه، چهارگونه فرعی رانیز پیشنهاد داد که از بررسی کروکی‌ها به دست آمده بود» (پاکزاد، ۱۳۸۹، ص ۱۷۰).

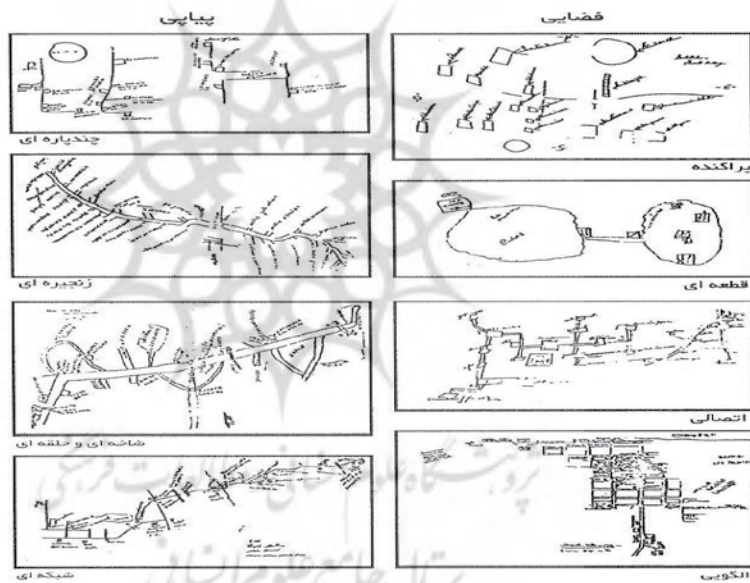
چارچوب نظری

برای ایجاد آگاهی از محیط نه تنها به تصاویر ذهنی نیاز است بلکه این تصاویر باید با یکدیگر در ارتباط باشند. مجموعه‌هایی از چنین تصاویر مرتبط به هم یک مدل ذهنی یا نقشه شناختی از محیط بوجود می‌آورد. استفاده از نقشه‌های شناختی امکان طراحی و ساخت بناها، مجموعه‌ها، محله‌ها و شهرهای خوانا و قابل تصور را برای طراحان محیط و شهرسازان فراهم می‌کند. شهرساز به عنوان کسی که با جسم شهر سر و کار دارد باید متوجه ناظر و عوامل خارجی که بر

می‌شناسانند و ارزیابی می‌کنند او با سنجش ادراک و نگرش مردم و حرفه‌مندان در پی آگاه ساختن آنان نسبت به تفاوت در کشان از شهر بود. به دیگر سخن، او نگاه مردم و حرفه‌مندان به شهر را در کنار هم نهاد و نقاط اشتراک و تفاوت آنها را با گفتن دلایل نشان داد. شهر گوناگانا فرصت ویژه‌ای را در اختیار اپلیارد نهاد تا به دستاوردهای خود در زمینه ثبت تصویر ذهنی شهروندان نتایج ارزشمندی را بیفزاید این شهر از گروه‌ها و طبقات اجتماعی مختلفی درست شده است (پاکزاد، ۱۳۸۹، ص ۱۶۸). اپلیارد در بررسی مفهوم تصویر ذهنی در شهر گوناگانا از روش‌های مختلف کلامی و غیرکلامی استفاده نمود برای نمونه برای کشف واژگان کلامی شهروندان در توصیف محیطشان، از آنها می‌خواست تا به صورت کلامی، شهر یا پیرامون آن و نقاط یا مکان‌هایی که بهتر از دیگر مکان‌ها به یاد می‌آوردند را نام برده و توصیف کنند از دیگر سو از آنها می‌خواست تا با ترسیم یک کروکی، این نقاط و مکان‌ها را روی آن نشان دهند و در ضمن ترسیم کروکی، هر عنصر مهم دیگری را نیز که به یاد می‌آوردند به آن بیفزایند و در مرحله بعد از آنان می‌خواست تا راهی را که میان دو نقطه مشخص از شهر طی می‌کنند، ضمن اشاره به عناصر شاخص، تغییر جهت‌ها، دیدها و یا هر عنصر مهم یا جذاب شهری که طی این سفر متوجه آن می‌شوند را توصیف کنند (Applyard, 1976:95). سرانجام با تکیه بر چنین دقتی اپلیارد موازین سه گانه را مطرح کرد که به باور او باعث می‌شود یک چیز مثلاً یک ساختمان در یاد مردم بماند و بتوانند آن را به یاد آورند. این اصل عبارتند از: ۱- برخورداری از تمایز فرم ۲- رؤیت پذیر بودن ۳- برخورداری از



این نمودارها بیانگر گونه‌های مختلف ساختار تصاویر ذهنی ساکنان از شهرشان است (همان: 158)



گونه‌های مختلف ساختار تصاویر ذهنی ساکنان از شهرشان (Appleyard, 1976: 159)

است. آغاز فرایند طراحی شهری به استناد مبانی نظری:

برداشت تصویر ذهنی شهروندان از شهر و فضاهای آن



تحلیل برداشت



برنامه ریزی برای عناصر سیمایی شهر

کاربست در نمونه موردی (بافت تاریخی شهر کرمان)

کرمان شهری با تاریخ پر فراز و نشیب و مردمانی

او اثر می‌گذارد و تصاویری از محیط در ذهن او می‌سازد، باشد جریان دریافت تصاویر از محیط‌های مختلف توسط افراد با شرایط مختلف (سنی، جنسی، فرهنگی، خلق و خو) گاه آسان و زمانی مشکل است اما در تصاویر ذهنی افراد مختلف شباهت‌های بسیاری مشاهده می‌شود، این تصاویر مشابه مشترک در واقع حاصل توافق شمار بسیاری از مردم بر اهمیت تصویر خاص است و همین تصویر ذهنی مشترک است که توجه شهرساز را به خود می‌خواند زیرا محیطی که شهرساز به وجود می‌آورد مورد استفاده بسیاری از مردم

سختکوش در دل کویر که به گفته فرد ریچاردز غیر از شهر تبریز که در مرز شمال ایران واقع شده به هیچ شهری در این کشور به اندازه شهر کرمان از منجیق فلک سنگ نباریده است. کرمان منسوب است به کرمان بن هیتال بن ارنخشدین سام بن نوح (ع) که در داستان‌های اساطیری، کرمان به کرمی (ابریشمی) منسوب است که هفتواد نام داشته است (باستانی پاریزی، ۱۳۶۶، ص ۱۹۶). حکایت آن یعنی حکایت کرم و پشم ریزی دختران هفتواد را فردوسی شاعر حماسه سرای ایران به نظم در آورده است.

یکی دژ بکنند بر تیغ کوه شد آن شهر با او همه همگروه چو یک چند بگذشت بر هفتواد مرا آن حصن را نام کرمان نهاد بر اساس منابع و اسناد تاریخی ساخت تاریخی و شکل‌گیری شهر کرمان به شرح زیر است.

۱- عهد هخامنشیان و پیش از آن: شکل‌گیری قلعه دختر بر بالای کوهی که نخستین آثار شهر کرمان در پای آن تشخیص داده شده است.

۲- دوره ساسانی: شکل‌گیری قلعه دیگری بر بلندی تپه مقابل قلعه دختر به نام قلعه اردشیر.

شکل‌گیری هسته شهر به عنوان یک قلعه محصور به مرکزیت قلعه دختر و بعد قلعه اردشیر (در اثر توسعه آن)، ساکنان شهر هنوز داخل قلعه جای ندارد بلکه در بیرون قلعه به صورت نابسامان زندگی می‌کنند، قلعه به وسیله خندقی عمیق از محل زندگی مردم جدا شده. اجزای تشکیل دهنده شهر را در این دوره معبد، قلعه، خانه‌های طبقه برگزیده، حصار و خندق که بر جدایی خود از ناحیه دیگر تأکید می‌کند، تشکیل می‌دهد. با ورود اسلام قلاع ساسانی چه مذهبی و چه نظامی فرو می‌ریزند و این مهمترین حادثه در بنیان‌گذاری سازمان نوین در شهر کرمان در سده نخستین هجری در جوار حصارهای شهر قدیمی و به دور از قلعه دختر و قلعه اردشیر علیرغم ارزش‌های دفاعی آنها به سوی دشت غربی مستقر می‌شود (جوادی، ۱۳۷۶، ص ۲۴).

۳- در قرن دوم و سوم هجری ابتدا حصار جدید شهر که محله‌های جدید را نیز شامل می‌شود، شکل می‌گیرد در این دوره کسی از شهروندان بیرون دروازه‌ها رها نمی‌شود.

۴- در قرن چهارم ملک تورانشاه سلجوقی محله شاه عادل را برای استقرار سپاهیان مسجد جامع ملک، بازار،

گرمابه، خانقاه و کتابخانه مرکز جدید شهر را می‌سازد. تلاش حاکم سلجوقی برای انتساب شهر کرمان به خود و زدودن خاطره حکومت قبلی، مبتنی بر توسعه است لکن نظامی که او بدان تمسک می‌جوید همان سازمان گذشته شهر است که اینک مرکز آن جابجا شده است.

۵- در قرن هفتم، حاکمان قراختایی از یک سو برای پاسخ به نیاز جمعیت جدید به توسعه شهر و از سوی دیگر ثبت حاکمیت خود بر تارک شهر، محله ترک آباد را در شمال غرب شهر آن روز سامان می‌دهند. مرکز جدید شهر نیز این بار کل کوچک و مستقلی شامل مقبره براق حاجب، مدرسه، مارستان درب خبیص، بازار، مسجد و آب انبار است.

۶- در قرن هشتم، امیر محمد مظفر با تسخیر کرمان، حکومت جدید را بنیان می‌نهند. وی مسجد جامع قدیم در دروازه شرقی کرمان را مرکز جدید شهر قرار می‌دهد. سیاست وی برای تبلور تغییر حکومت، جابجایی مرکز از منتهی الیه غربی به لبه شرقی شهر است.

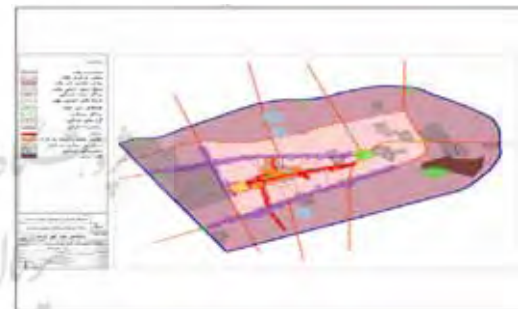
۷- گنجعلی خان حاکم صفوی کرمان در قرن دهم، مرکزیت جدید را در مجموعه تازه احداث در قلب فرسوده شهر بنیان می‌گذارد تا بدین طریق موجبات ایحیا شهر را فراهم آورده باشد. مجموعه‌ای مرکب از میدان، بازار، مسجد، حمام، ضرابخانه و آب انبار. در عین حال، سازمان فضایی همچنان تداوم سنت قبلی است.

۸- وکیل‌الملک در عهد قاجار نیز مرکز جدید شهر را در جوار مرکز صفوی بنا می‌کند. این روایت تا دوره معاصر آن که با تغییر اندیشه روشنفکران مدرسه‌ای در کسوت مشاوران رضاخان دچار دگرگونی بنیادین شد، به همان شیوه و سبک سنتی خود باقی بود (منصوری، ۱۳۸۶، ص ۵۸).

در این پژوهش تلاش خواهد شد تا ساختار بافت تاریخی کرمان و جایگاه آن در عینیت و ذهنیت و نقش ادراکات ذهنی و شکل‌گیری تصویر ذهنی از ساختار تاریخی شهر مورد بررسی قرار گرفته و در جهت ارتقاء کیفیت ساختار و هویت بخشی به آن به کار گرفته شود.

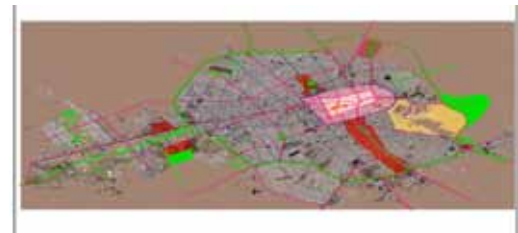


بررسی طرح جامعه و طرح ساختاری بافت تاریخی کرمان در مورد ساختار بافت تاریخی



نقشه ۳ و ۴. ساختار کالبدی شهر کرمان؛ ماخذ: نگارندگان.

بررسی ادراکات ذهنی مردم در مورد ساختار بافت تاریخی در این مرحله از پژوهش از تعداد ۴۵ نفر از ساکنان شهر کرمان مصاحبه و در پایان از آنها خواسته شد که از ساختار بافت تاریخی کرمان بر اساس ذهنیتی که دارند یک کروکی تهیه نمایند. پس از مصاحبه و بررسی کروکی‌های ساکنان، جدول زیر با توجه به موارد مختلف ذکر شده در مصاحبه‌ها و کروکی‌های ساکنان تهیه گردید.

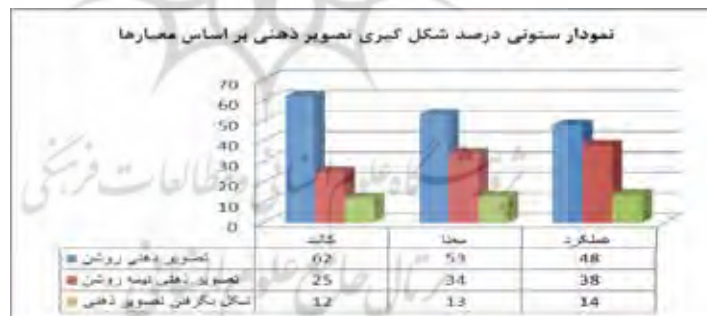


نقشه ۱ و ۲. ساختار فضایی بافت تاریخی کرمان و ساختار بافت تاریخی در ارتباط با ساختار شهر کرمان؛ ماخذ: شارستان طرح ساماندهی بافت تاریخی کرمان.

جدول ۳. ادراک فضاهای شهری بافتهای تاریخی کرمان؛ ماخذ: نگارندگان.

فضاها و عناصر شهری	کالبد	معنا	عملکرد
کوچه یهودیها	حوزه ۰	(اجتماعی ۱۰ نفر)(تاریخی ۴)	(سکونت ۳)
یخدان مویدی	(نشانه ۹)	(کالبدی ۶)	(فرهنگی ۲)
محلّه خواجه خضر	(حوزه ۶)	(تاریخی ۴)(کالبدی ۵)	(سکونت ۳)
چهارراه کاظمی	(گره ۹)	(ارتباطی ۸)(اجتماعی ۵)	(ارتباطی ۱۲)
بازار حاج آقا علی	(گره ۱۵)	(کالبدی ۷)(اجتماعی ۴)	(تجاری ۵)
مجموعه گنجعلیخان و میدان ارگ	(حوزه ۴۰)	(کالبدی ۱۸)(اجتماعی ۱۲)	(تجاری ۱۲)
سه راه شمال جنوبی	(راه ۵)	(اجتماعی ۱۲)	(تجاری ۶)(ارتباطی ۹)
راسته (مسگرها، عطارها، کنفاشها، لحاف دوزها و حلاجها، پارچه فروشهای یهودی، آسیابها)	(حوزه ۱۱)	(اجتماعی ۱۶)	(تجاری ۴)
خیابان شریعتی	(راه ۱۵)	(اجتماعی ۹)	(تجاری ۹)(ارتباطی ۱۵)
مسجد شیخیها	(نشانه ۶)	(اجتماعی ۱۲)	(مذهبی ۳)
کوههای صاحب الزمان	(نشانه ۲۵)	(طبیعی ۱۲)	(تفریحی ۸)
جنگل قائم	(حوزه ۲۵)	(طبیعی ۸)(اجتماعی ۵)	(تفریحی ۱۵)
گنبد جلیبه	(نشانه ۲۳)	(کالبدی ۱۲)	(فرهنگی ۶)
مسجد جامع	(نشانه ۱۴)	(کالبدی ۸)(تاریخی ۶)	(مذهبی ۶)
محلّه شاهزاده محمد	(حوزه ۹)	(کالبدی ۵)(تاریخی ۴)	(سکونت ۶)
خیابان سرباز	(راه ۵)	(ارتباطی ۶)	(ارتباطی ۸)
باغ ملی	(گره ۱۴)	(ارتباطی ۴)(اجتماعی ۷)	(ارتباطی ۱۴)(تجاری ۷)
کتابخانه ملی	(نشانه ۸)	(کالبدی ۵)	(فرهنگی ۳)
فالگیرهای میدان ارگ و گنجعلیخان		(اجتماعی ۷)	
قلعه دختر	(نشانه ۶)	(طبیعی ۴)(تاریخی ۶)	
قلعه اردشیر	(نشانه ۴)	(طبیعی ۲)(تاریخی ۴)	
میدان مشتاق	(گره ۱۵)	(ارتباطی ۶)(اجتماعی ۸)	(ارتباطی ۱۵)(تجاری ۹)
قدمگاه	(گره ۱۲)	(کالبدی ۵)(اجتماعی ۸)	(تجاری ۱۲)
محلّه زریسف	(حوزه ۱۴)	(کالبدی ۸)(اجتماعی ۳۲) (تاریخی ۶)	(سکونت ۵)
محلّه سلمان فارسی	(حوزه ۱۰)	(کالبدی ۸)(اجتماعی ۲۶) (تاریخی ۶)	(سکونت ۶)
محدوده خیابان برزو آمیقی	(حوزه ۱۰)	(کالبدی ۸)(اجتماعی ۲۰) (تاریخی ۶)	(سکونت ۵)
محدوده حصار قدیم	(لبه ۳)	(کالبدی ۳)(تاریخی ۳)	
محل دروازههای قدیم	(نشانه ۵)	(کالبدی ۵)(تاریخی ۵)	
پارک سنگی	(حوزه ۹)	(اجتماعی ۸)	(تفریحی ۹)
پارک شهر	(حوزه ۱۱)	(اجتماعی ۹)	(تفریحی ۱۱)
مسجد حاج آقا علی	(نشانه ۱۲)	(کالبدی ۷)(تاریخی ۴)	(مذهبی ۶)
بیمارستان باهنر	(نشانه ۶)	(کالبدی ۳)	(درمانی ۶)
دانشکده هنر کرمان	(نشانه ۳)	(کالبدی ۱)	(آموزشی ۳)
آشکده زرتشتیان	(نشانه ۶)	(کالبدی ۲)(تاریخی ۳)(اجتماعی ۸)	(مذهبی ۲)
تخت دریا قلی بیگ	(نشانه ۱۲)	(کالبدی ۹)(تاریخی ۳)	

با توجه به کیفی بودن موضوع پژوهش در این مرحله با استفاده از روش تحلیل AHP کרוکی‌ها و موارد ذکر شده در مصاحبه‌ها در نرم افزار Expert choice مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفت و نتایج حاصل از این تحلیل به صورت نمودار بیان شده است.



نقشه ۵ تا ۷. لایه عملکردی ساختار بافت تاریخی کرمان بر اساس تصویر ذهنی مردم؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

دستکاری ماهرانه در ساختار بافت تاریخی کرمان

در ادامه برای تقویت و ارتقاء کیفیت ساختار بافت تاریخی کرمان و عناصر و اجزاء تشکیل دهنده آن با استفاده از دستکاری ماهرانه در محدوده مسجد ملک و قلعه دختر پیشنهادهایی برای شکل گیری تصویرذهنی روشن از آنها و تقویت ساختار بافت تاریخی کرمان و کمک به حفظ و ارتقاء هرچه بیشتر این دو نگین ارزشمند بافت تاریخی کرمان ارائه شده است

ساماندهی محدوده مسجد ملک

مسجد ملک از کهن ترین و برجسته ترین ابنیه تاریخی شهر کرمان است، این مسجد که حدود هزار سال پیش به دست ملکشاه سلجوقی بنا گردیده از حیث ابعاد نیز، هم در کرمان و هم در سرتاسر ایران کم نظیر است. ساماندهی زمین های بایر و بناهای مخروبه مجاور این مسجد می تواند

ساماندهی محدوده قلعه دختر

قلعه دختر یکی از عوارض طبیعی موجود در محدوده مطالعاتی بافت کهن کرمان است. تأثیر این بلندی در روند شکل گیری شهر کرمان و تحولات آن غیر قابل انکار است. در صورت فراهم شدن تصویرذهنی پررنگ از آن در اذهان



تصاویر ۱ تا ۴. قلعه دختر؛ مأخذ: نگارندگان.



نقشه ۹. کاربری‌های وضع موجود



نقشه ۸. موقعیت مکانی قلعه دختر



تصویر ۵ تا ۸. محدوده مسجد ملک؛ ماخذ: نگارندگان.



نقشه ۱۰. کاربری‌های پیشنهادی؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

به درخشان شدن هر چه بیشترین نگیں در کرمان و شکل گیری تصویر ذهنی قوی از آن در اذهان مردم کرمان بیانجامد و سبب ایجاد حس مکان و هویت بخشی به ساختار بافت تاریخی کرمان گردد.

این پیشنهادها در قالب دستکاری ماهرانه و دیگر پیشنهادهای اساتید، صاحب نظران، دانشجویان در قالب فرصت‌های موجود در بافت تاریخی کرمان می‌تواند راهگشای حفظ هویت و تقویت ساختار بافت تاریخی کرمان گردد. امید است که این تحقیق هرچقدر ناچیز و



نقشه ۱۴. کاربری‌های پیشنهادی



نقشه ۱۱. عکس هوایی محدوده مسجد ملک

کوچک بتواند در جهت حفظ این میراث ارزشمند تاریخی و کمک به هویت و تاریخ این خطه ارزشمند کویر قدمی برداشته باشد و راهگشای پژوهش‌های بعد از خود باشد.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

برای ایجاد آگاهی از محیط نه تنها به تصاویر ذهنی نیاز است بلکه این تصاویر باید با یکدیگر در ارتباط باشند. مجموعه‌هایی از چنین تصاویر مرتبط به هم یک مدل ذهنی یا نقشه شناختی از محیط بوجود می‌آورد. استفاده از نقشه‌های شناختی امکان طراحی و ساخت ساختار شهر، بناها، مجموعه‌ها، محله‌ها و شهرهای خوانا و قابل تصور را برای طراحان محیط و شهرسازان فراهم می‌کند. قدرت و قابلیت ایجاد تصویر ذهنی از ساختار شهر در ذهن فرد، قابلیت موجود در ساختار شهر است که به واسطه خصوصیتی که نگارنده درصدد دستیابی به آنها بوده است منتقل می‌گردد و این خصوصیات ساختار شهر می‌تواند توسط ایجاد کیفیت‌هایی در لایه منظر شهری به ایجاد تصویر ذهنی از ساختار شهر در ذهن شهروند و ایجاد حس مکان بیانجامد. توجه به ساختار و تصویر ذهنی از آن امتیازی برای شهر در بافت کهن آن است، زیرا فعال بودن مجموعه‌های کهن شهری و ساماندهی هویت اصلی شهر به ویژه در پیوند با بافت قدیم آن در صورتی حائز اهمیت بوده و موفق خواهد بود که با تکیه بر یک پیوند نامرئی و متقابل شهروندان و دلبستگی‌های آنان به ارزشهای مشترک در تصاویر ذهنی شان از شهر صورت گیرد. ساختار شهر و تصاویر ذهنی قوی شکل گرفته از آن می‌توانند موجب خوانایی شهر و



نقشه ۱۲. موقعیت مکانی مسجد ملک

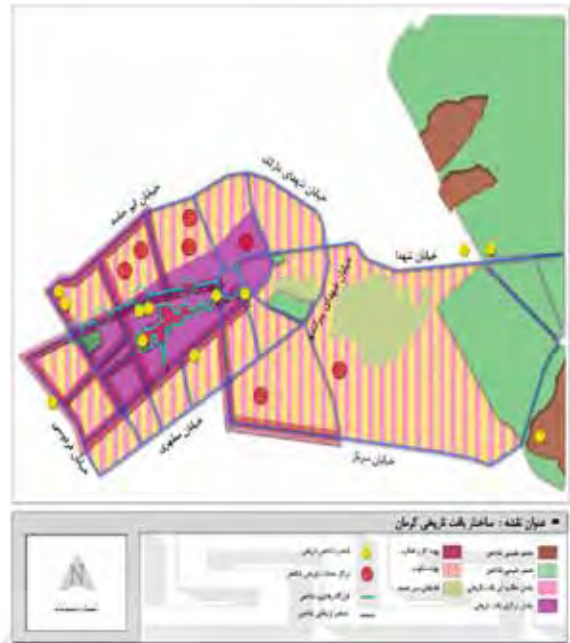


نقشه ۱۳. کاربری‌های وضع موجود

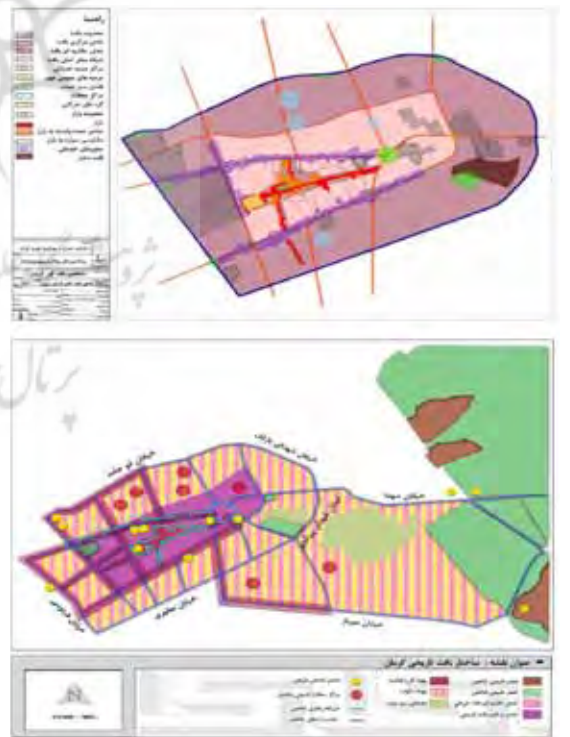
تمایز آن شده و بیان کننده هویت ملی و برانگیزاننده احساس غرور در مردم شهر باشند با بررسی ساختار اصلی شهرها و درك قانون مندی‌های توسعه و تکامل آن می‌توان تاثیر عمده‌ای در احیا و بهبود وضع شهر گذاشت، زیرا اجزا و عناصر پدید آمده در تاریخ تحول و تکامل شهر امکانات بالقوه بسیار برای تجدید حیات داشته و می‌توانند در هویت بخشی به شهر و تقویت شبکه نمادین آن نقش ویژه داشته باشند.

منابع و ماخذ

- احمد علی خان وزیر، کرمانی، (۱۳۶۳) «تاریخ کرمان»، بکوشش دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی، انتشارات علمی
- استونز، راب، (۱۳۷۹) «متفکران بزرگ جامعه شناسی»، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران، نشر نی.
- افسار نادری، کامران، (۱۳۷۸) «از کاربری تا مکان»، مجله معمار، شماره ۶.
- اهری، زهرا؛ (۱۳۹۱) «مکتب اصفهان در شهرسازی»، انتشارات: دانشگاه هنر تهران.
- آریانبور کاشانی، عباس، (۱۳۶۸) «فرهنگ دانشگاهی انگلیسی-فارسی»، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- بازرگان، عباس، سرمد، زهره، (۱۳۸۹) «روش‌های تحقیق در علوم رفتاری»، موسسه انتشارات آگاه
- بحرینی، حسین، (۱۳۷۶) «فرآیند طراحی شهری»، تهران، انتشارات: ادانشگاه تهران،
- بحرینی، حسین، بلوکی، بهناز و تقابن سوده، (۱۳۸۸) «تحلیل مبانی نظری طراحی شهری معاصر»، تهران، دانشگاه تهران، موسسه انتشارات.
- بذرگر، محمدرضا، (۱۳۸۲) «شهرسازی و ساخت اصلی شهر»، شیراز، کوشامهر.
- بیکن، ادموند، (۱۳۸۶) «طراحی شهرها»، ترجمه فرزانه طاهری، انتشارات شهیدی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران
- پاکزاد، جهانشاه، (۱۳۸۵) «مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری»، تهران، انتشارات دانشگاه شهیدبهشتی
- پاکزاد، جهانشاه، (۱۳۸۹) «سیر اندیشه‌ها در شهرسازی (۲)»، تهران، انتشارات: آرمان شهر
- پاکزاد، جهانشاه، (۱۳۸۹) «سیر اندیشه‌ها در شهرسازی (۳)»، تهران، انتشارات: آرمان شهر
- پرتوی، پروین، (۱۳۸۲) «مکان و بی مکانی رویکردی پدیدارشناسانه»، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۴.
- پوراحمد، احمد، (۱۳۷۰) «جغرافیا و ساخت شهر کرمان»، انتشارات جهاد دانشگاهی
- پوراحمد، احمد، (۱۳۷۶) «جغرافیا و کارکردهای بازار کرمان»، مرکز کرمان شناسی
- پورجعفر، محمدرضا، (۱۳۸۷) «پدیدارشناسی محیط شهری: تأملی در ارتقاء فضا به مکان شهری» مجله علوم و تکنولوژی محیط زیست»، دوره دهم، شماره ۴



نقشه ۱۵. ساختار بافت تاریخی کرمان براساس ادراک ذهنی مردم



نقشه ۱۶. مقایسه ساختار بافت تاریخی کرمان بر اساس اسناد طرح جامع و طرح ساختاری و ساختار بافت براساس تصویر ذهنی مردم

- پورمند، حسنعلی، محمودی نژاد، هادی، ۱۳۸۹، «مفهوم مکان و تصویر ذهنی و مراتب آن در شهرسازی»، مجله مدیریت شهری، شماره ۲۶
- توسلی، غلامعباس، (۱۳۷۰) «نظریه‌های جامعه‌شناسی»، تهران، انتشارات سمت.
- تولایی، نوین (۱۳۸۶) «شکل شهر منسجم»، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۶.
- جلایی پور، حمیدرضا و محمدی، جمال، (۱۳۸۸) «نظریه‌های متاخر جامعه‌شناسی»، تهران، نشری نی.
- حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۸۵) «مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی»، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- حبیب، فرح، (۱۳۸۵) «کندوکاوی در معنای شکل شهر»، مجله هنرهای زیبا، شماره ۲۵.
- حبیبی، رعنا السادات؛ (۱۳۸۷) «تصویرهای ذهنی و مفهوم مکان»، مجله هنرهای زیبا، شماره ۳۵
- حمیدی، ملیحه، (۱۳۷۶) «استخوانبندی شهر تهران»، تهران، سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران.
- دبیر، بابک و خانفی، عباس، (۱۳۸۲) «ساخت‌گرایی و حوزه زبان شناسی»، رشت، انتشارات دانشگاه گیلان.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳) «فرهنگ لغت دهخدا»، جلد سیزدهم، انتشارات دانشگاه تهران.
- دیلمی صدق، (۱۳۹۰) «راهنمای تعیین و تحلیل ساختار فضایی در ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی
- روبینز، آر. اچ، (۱۳۷۰) «تاریخ مختصر زبان شناسی»، ترجمه علی محمد حق شناس، تهران، نشر مرکز.
- روح‌الامینی، محمود، (۱۳۵۷) «گردشگر با چراغ در مبانی انسان شناسی»، تهران، کتاب زمان.
- ریترز، جرج، (۱۳۷۴) «نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر»، ترجمه محسن ثلاثی، نشر علمی، ۱۳۷۴.
- زنگی‌آبادی، علی، (۱۳۷۶) «جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری کرمان»، مرکز کرمان شناسی، کرمان
- سادوسکی، بلاویرگ ویودین، (۱۳۶۱) «نظریه سیستم‌ها، مسائل فلسفی و روش شناختی»، ترجمه کیومرث پریانی، تهران، انتشارات تندر.
- «طرح جامع کرمان»، (۱۳۸۸) مشاور شارسستان.
- «طرح ساختاری بافت تاریخی کرمان»، (۱۳۸۹) مشاور شارسستان.
- عندلیب، علیرضا، (۱۳۸۱) «روش تحقیق و تدوین رساله دکتری»، نشر تهران
- فرد، ریچاردز، (۱۳۴۳) «سفرنامه ریچاردز»، ترجمه مهین دخت صبا، ترجمه و نشر کتاب تهران.
- فرهنگ لغت مریام وبستر»، (۱۳۸۶) انتشارات جنگل، چاپ یازدهم.
- کالن، گوردن، (۱۳۷۷) «گزیده منظر شهری»، ترجمه دکتر منوچهر طبیبیان، انتشارات دانشگاه تهران.
- کرمونا، متیو، (۱۳۸۸) «مکان‌های عمومی فضاهای شهری»، انتشارات دانشگاه هنر.
- کورز، لونیس و روزبرگ، برنارد، (۱۳۷۸) «نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی»، ترجمه ارشاد، فرهنگ، تهران، نشر نی.
- کیانی، محمد یوسف، (۱۳۶۵) «نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران»، انتشارات هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران
- گروت، لیندا، وانگ، دیوید، (۱۳۹۰) «روش‌های تحقیق در معماری»، ترجمه علیرضا عینی فر، انتشارات دانشگاه تهران
- گلکار، کوروش، (۱۳۹۰) «آفرینش مکان پایدار تأملاتی در باب نظریه طراحی شهری»، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- لینچ، کوین، (۱۳۷۲) «سیمای شهر»، ترجمه دکتر منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران.
- لینچ، کوین، (۱۳۷۶) «تئوری شکل خوب شهر»، ترجمه دکتر سید حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران.
- مدنی پور، علی، (۱۳۷۸) «طراحی فضاهای شهری، نگرشی بر فرآیندهای اجتماعی و مکانی»، انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- منصوری، امیر، (۱۳۸۶) «دو دوره سازمان فضایی در ایران: قبل و بعد از اسلام»، فصلنامه باغ نظر، شماره ۷.
- میرمقتدایی، مهتا؛ (۱۳۸۸)، «معیارهای سنجش امکان شکل‌گیری، ثبت و انتقال خاطرات جمعی»، مجله هنرهای زیبا، شماره ۳۷.
- نسبیت، کیت، (۱۳۸۶) «نظریه‌های پسامدرن در معماری»، ترجمه شیرازی، نشر نی.
- نوربرگ شولتز، کریستیان، (۱۳۵۳) «هستی، فضا، معماری»، ترجمه محمد حسن حافظی، انتشارات دانشگاه تهران.
- نوربرگ شولتز، کریستیان، (۱۳۸۳) «معماری با معنا و مکان»، ترجمه برازجان، انتشارات: جان جهان
- همت کرمانی، محمود (۱۳۵۳) «کرمان شهر شش دروازه»، انتشارات رجبی
- Alexander, Christopher and Doshi, B. V. Main Structure Concept, New Yorklandscape, 1963.
- Apple yard, Donald: Planning A Plaralistic city, The MIT Press, 1976.
- Canter, David, The Psychology of Place, The architectural Press, london, 1977.
- Hornby, A. S. The Advanced Learners Dictionary of Current English"
- Planning and development planning, 'Urban Structure for the Town's new official plan Town of Richmond hill, 2009.
- Pullan, W. and Hurshad, B. (eds.) (2000), Structure: in science and Art, Cambridge university press, Cambridge.
- Relph, Edward, Place and Place Lessness Pion Limited, London, 1976.
- Salingeros, N. A. Principles of Urban Structure, Techne Press, Amsterdam, 2005.
- Tange, kenzo; Architecture and urban Design, Verlagfur Architekturte Artemis Zurich, 1970.
- Turner, Jonathan. H. the Structure of Sociological Theory, Belmont California: Wadsworth Pub,1986.
- Nasar (1990) The Evaluative Image of the city, in the journal the of American planning Association 56
- Tribe, Michael; Stadtgestaltuxg theorie and praxis, Bertel smann, 1974.